

گالنامه

علم

فرهنگ

اجتماعی

فر، فرهنگ، فرهیختگی

انجمن علمی پردیس شهید مقصودی همدان

اسطوره‌ی مدیریت، بر سکوی موفقیت | ۳

حتما بخوانید حتی شما دوست عزیز | ۱۷

گفت و گو با دکتر هادی حاتمی | ۱۰

مغز ایرانی در قلب هانوفر | ۱۲

شماره یک اردیبهشت ۱۳۹۳

# فهرست مطالب



نشریه فرهنگی و هنری «ف»



پردیس شهید مقصودی همدان

## فهرست مطالب

۱. معرفی و فهرست
۲. سر آغاز
۳. جهان من
۶. این را می دانستید که ...
۸. داستان کوتاه
۱۰. گفتگو
۱۲. میهن من
۱۵. سخنی دیگر
۱۷. حتما بخوانید حتی شما دوست عزیز
۱۹. شاعرانی در همین نزدیکی
۲۱. یک سبد سلامتی
۲۳. رایانه سرا
۲۶. زبانکده
۲۷. آلاله ها

منابع همه مطالب در دفتر انتشارات موجود است .

## شناسنامه «ف»

صاحب امتیاز :

انجمن علمی پردیس شهید مقصودی همدان

مدیر مسئول : امین ا ... نقی زاده

سر دبیر : محمد سلگی

مدیر اجرایی و مشاور سردبیر : مهدی فرهادی

ویراستار : رامین احمدی

طراح و صفحه آرا : سعید ابراهیم نژاد

روابط عمومی : سجاد سلیمانی

گروه نوشتار :

میلاذ مرادی بهپور

صابر سوری

بهروز قاسمی

محسن عباسی

محمد امین چراغی

مجتبی مهدوی

فرشید گوهری

سعید انصاری

مهدی محمد پناه

با سپاس از ریاست محترم پردیس ، دکتر علی نجفی

و سپاس فراوان از همکاری بی دریغ مسئول انجمن علمی ، سعید مؤمن علی



## سر آغاز

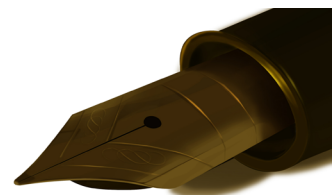
داستان « ف » چنین است که با دوستان گرد هم آمدیم و طرحی نو در انداختیم. خواستمان بر این آمد که نخستین گاهنامه ی دانشگاه پرآوازه ی فرهنگیان همدان را منتشر کنیم تا تابشی از خورشید تابان فرهنگ را جلوه گر سازیم. اندیشیدیم که چه کار شکوهمند و دل افروزی خواهد شد! همان هنگام که در دامن کوه سرافراز و پایدار الوندیم، از پایداری و استواری بنویسیم. همان هنگام که زیر پای تپه ی تمدن آفرین و کهن سال هگمتانه ایم، از تمدن بگوییم. همان هنگام که با فاصله ی اندکی از سوته دل شوریده، عارف دوران دیده، باباطاهر ایستاده ایم، شعر و ادب را بشناسیم. و همان هنگام که در کنار دانشمند یگانه ی روزگار، مایه ی غرور و افتخار، ستاره ی درخشان فرهنگ ایران زمین، بوعلی سینا هستیم، از فرهنگ سخن به میان آوریم.

اکنون نخستین شماره ی «ف»، دفتری شده که چهره ای خاص به خود گرفته است. چهره ای به زیبایی درختان بهار، سبز؛ به پاکی دستان آموزگار، سپید؛ به دل انگیزی عید باستانی نوروز، امیدبخش و به شوق حضور دانشجویان جدید، آینده نگر. اینک شایسته است، ایام خجسته و لحظه لحظه ماندگار نوروز ایرانی و روز معلّم را هزاران بار تبریک بگوییم. اما روز معلّم؛ یعنی روز ارج نهادن به گوهر آسمانی دانش و بینش. یعنی روز فرزانهگانی که یک جامعه برای پیشرفت، همواره به اندیشه ی هنرمندشان، کار ارزشمندشان و تلاش های خستگی ناپذیرشان نیاز داشته، دارد و خواهد داشت. یعنی روز گرامیداشت شغلی پیامبرگونه که درک مقام آن برای هر کس، بی شک لطف خداوندی است. هرچند که به گفته ی بزرگانمان، نهادن نام شغل بر آن، خوشایند به نظر نمی رسد؛ چرا که سراسر عشق و هنر است. پس به عنوان دانشجویانی که راه فراوان تا معلّم شدن داریم، پروردگار بی همتا را سپاسگزاریم که مسیر سرنوشت ما را در سرزمین دانش و فرهنگ نهاد. به دانشجویان تازه وارد هم، چنین می گویم: به راهی که آمده اید، شک نکنید و برای هنری که برگزیده اید، تمام قد بایستید. افتخار کنید که گام، جای پای نام آورانی می گذارید که نام های آنان به خطّ خوش در گذرگاه های پرپیچ و خم تاریخ ماندگار شده؛ آن گونه که یک ملت را با آن ها می شناسند و مردمان قدرشناس جوامع، پیوسته به آن ها می بالند. در پایان از همه ی عزیزانی که در نوشتن و چاپ این گاهنامه، ما را یاری نمودند، تشکر می نمایم و از خداوند هستی بخش، برای آنان سلامتی و سربلندی روزافزون را خواستارم. به امید سالی خوش...

سردبیر

محمد سلگی

رشته ی دبیری آموزش زبان و ادبیات فارسی



وَالْقَلَمُ وَ مَا يَسْطُرُونَ



Steve Jobs  
1955-2011



## سال‌های آغازین زندگی

استیو جابز در ۲۴ فوریه سال ۱۹۵۵ در سان فرانسیسکو از مادری به نام خوان کارول شیبیل که یک آلمانی-سوئیسی بود و پدری سوری و مسلمان به نام عبدالفتاح جان جندلی که هردو دانشجو بودند، زاده شد. گاهی از جابز به واسطه سوری بودن پدرش به عنوان یک آمریکایی عرب یاد می‌شود. کارول و عبدالفتاح در آن زمان هنوز با هم ازدواج نکرده بودند. هنگامی که استیو به دنیا آمد جندلی و دوستش خوان شیبیل که هر دو ۲۳ ساله بودند نمی‌توانستند فرزندشان را بزرگ کنند. خوان که از یک خانواده مسیحی محافظه‌کار بود، نمی‌توانست خانواده‌اش را متقاعد کند که با یک عرب مسلمان ازدواج کند. در نهایت استیو توسط پل رینهولد جابز و کلارا هاگوپیان به فرزندی پذیرفته شد. هنگامی که از «پدر و مادر خوانده» او سوال شد، جابز با پافشاری پاسخ داد که «پل و کلارا جابز پدر و مادر من بودند». هنگامی که استیو ۵ ساله بود، خانواده جابز از سان فرانسیسکو به مانتین ویو در کالیفرنیا نقل مکان کردند. مانتین ویو در دره سیلیکون قرار داشت. استیو فرزند دره بود و روح و انرژی دره‌ی سیلیکون بر اعماق وجود او تأثیر گذاشت.

## یادگیری

دوران ابتدایی برای استیو خسته‌کننده بود. معلم کلاس چهارم در موفقیت‌های بعدی او نقش زیادی داشت. وی بود که او را با توانایی‌هایش آشنا کرد، جابز بعدها از او به عنوان یک قدیس یاد می‌کرد. او باعث شد که استیو کلاس پنجم را به صورت جهشی طی کند و دوره ابتدایی را یک سال زودتر به اتمام برساند. استیو همیشه در سخنرانی‌های اچ‌پی در پالواتو شرکت می‌کرد و بعدها به استخدام همان‌جا درآمد و به عنوان کارمندان تابستانی همراه استیو و زنیاک کار می‌کردند. استیو در سال ۱۹۷۲، از «دبیرستان هومستد» در شهر کوپرتینو در کالیفرنیا فارغ‌التحصیل شد و در کالج رید در شهر پورتلند ایالت اورگن ثبت نام کرد، اما بعد از یک نیم‌سال تحصیلی انصراف داد. کالج رید، یک کالج هنرهای لیبرال است و پیدایش فردی چون استیو جابز حاکی از پراهمیت بودن این علوم است.

استیو پس از انصرافش، در بعضی از کلاس‌های کالج از جمله خوشنویسی شرکت می‌کرد. این هنر در شغل آینده استیو تاثیر به‌سزایی داشت. این هنر به استیو ایده سبک حروف چندگانه را بخشید، که در کامپیوتر مکینتاش (کامپیوترهای شرکت اپل) دیده می‌شود. جابز می‌گوید: «اگر در کالج وارد آن کلاس (خوشنویسی) نمی‌شدم، مکینتاش هرگز چندین طرح حروف یا فونت‌های فاصله‌دار مناسب را نداشت. و از آنجایی که ویندوز دقیقاً مکینتاش را کپی کرده‌است، کامپیوتر هیچ کسی این فونت‌ها و طرح‌ها را نداشت. در زمستان ۱۹۷۴، او به کالیفرنیا بازگشت و به همراه استیو وزنیاک، حضور در جلسات باشگاه کامپیوتر هوم‌برو را آغاز کرد. در همین زمان جابز شغلی به عنوان یک تکنسین در شرکت آتاری، سازنده رایانه و دستگاه بازی رایانه‌ای که آن روزها محبوب بود، یافت.

### پایه‌گذاری شرکت رایانه‌ای اپل

در سال ۱۹۷۶، وقتی جابز ۲۱ ساله و وزنیاک ۲۵ ساله بود، شرکت رایانه‌ای اپل را در پارکینگ خانواده جابز، بنیان گذاشتند. اولین رایانه شخصی که جابز و وزنیاک به بازار معرفی کردند اپل I نام داشت. قیمت این رایانه که در سال ۱۹۷۶ معرفی شد، ۶۶۶ دلار و ۶۶ سنت بود. در سال ۱۹۷۷، جابز و وزنیاک رایانه اپل II را معرفی کردند. در سال ۱۹۸۰، اپل عرضه اولیه سهام خود را در بازار بورس ارائه کرد و به سهامی عام تبدیل شد.

مایک مارکولا (نخستین سرمایه‌دار بزرگ، سهام‌دار ارشد و دومین مدیرعامل اپل) نیز در مورد جابز می‌گوید: «او به ویژه نسبت به برنامه‌نویسان جوان خشن بود. مسئله بهداشتی‌اش نیز مطرح بود. همچنان مخالف تمام شواهد بود و اعتقاد داشت که با توجه به رژیم‌های غذایی گیاهی‌اش نیازی به دئودورانت یا دوش مرتب ندارد. باید مودبانه او را پشت در می‌گذاشتیم و به او می‌گفتیم که برود دوش بگیرد. ما مجبور بودیم در جلسات به پاهای کثیفش نگاه کنیم. او کارهایی می‌کرد که برای همکارانش آزاردهنده و چندش‌آور بود.» در حالی که جابز یکی از شخصیت‌های پیش‌برنده و رهبران معنوی اپل بود، منتقدین این مسئله را نیز مطرح کرده‌اند که او مدیری دمدمی مزاج و شلوغ بوده‌است. در سال ۱۹۸۵ بین جابز و اسکالی کشمکش به وجود آمد. جابز به اسکالی گفت: «تو برای اپل و هدایت آن مناسب نیستی.» اسکالی هم از مدیران خواست که بین او و جابز یکی را انتخاب کنند. آن‌ها به اتفاق آرا اسکالی را انتخاب کردند. پس جابز از کارش در اپل برکنار شد. جابز در همان سال شرکت نکست را تأسیس کرد.

### پایه‌گذاری شرکت رایانه‌ای نکست (Next)

پس از ترک اپل، جابز در سال ۱۹۸۵ با سرمایه ۷ میلیون دلار شرکت رایانه‌ای دیگری را با نام نکست بنیان گذاشت. جابز در سال ۱۹۸۹ کامپیوتر قدرتمند «نکست کامپیوتر» را ساخت.



## بازگشت به اپل

در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۶ شرکت اپل، شرکت نکست را به مبلغ ۴۲۹ میلیون دلار خرید. طی این معامله استیو جابز، مجدداً به اپل بازگشت. پس از برکناری جیل آملیو در ژوئیه سال ۱۹۹۷، جابز عملاً مدیرعامل اپل شد. جابز از سال ۱۹۹۷ تا زمان مرگش با دستمزد یک دلار در سال در سمت مدیرعامل برای اپل کار می‌کرد و سال‌های زیادی هیچ پاداشی هم به او تعلق نگرفت. این مسئله باعث شد نام او به‌عنوان «کم حقوق‌ترین مدیر ارشد عملیاتی» در کتاب رکوردهای جهانی گینس ثبت شود. البته در مواردی هم از زحمات او با هدایای ارزشمندی تقدیر شد. نظیر جت تجاری ۹۰ میلیون دلاری گلف‌استریم و پرداخت مخارج سفر او. که این مبلغ در سال ۲۰۱۰ حدود ۲۴۸،۰۰۰ دلار بود.

## نوآوری‌ها

جابز در ۳۳ پتنت (حق اختصاصی که به یک اختراع داده میشود) شرکت اپل حضور داشته‌است. برخی از این پتنت‌ها در زمینه رایانه رومیزی، آی‌پاد، لپ‌تاپ‌ها، سیستم عامل مکینتاش، مانیتور و کیس و کیبورد و حتی پلکان‌های شیشه‌ای که در فروشگاه‌های اپل دیده می‌شوند، بودند. از نوآوری‌های او می‌توان به آی‌مک، آی‌پاد، آی‌فون، آی‌پد، آی‌استور، آی‌تیونز استور اشاره کرد.

## کناره‌گیری

جابز در اوت ۲۰۱۱ از سمت مدیرعاملی اپل استعفا داد. تیم کوک، از مدیران ارشد اپل، مدیرعامل شد و جابز به عنوان رئیس هیأت‌مدیره انتخاب شد. پس از استعفای جابز، سهام اپل در عرض تنها چند ساعت به میزان ۵ درصد افت کرد.

## دارایی

جابز صاحب ۵،۵ میلیون سهام اپل به ارزش ۲،۱ میلیارد دلار و ۱۳۸ میلیون سهام دیزنی به ارزش ۴،۴ میلیارد دلار بود. فوربز در مارس ۲۰۱۱، ثروت جابز را ۸،۳ میلیارد دلار و قبل از مرگش (در سپتامبر ۲۰۱۱) ۷ میلیارد دلار برآورد کرد و در جایگاه ۳۴امین فرد ثروتمند امریکا قرار گرفت.

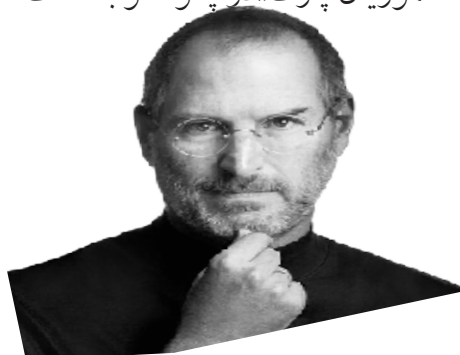
## روش مدیریت

استیو جابز خواهان کمال بود. او در سخنرانی خود در مک‌ورلد - آی‌ورلد در ژانویه ۲۰۰۷ در نقل قولی از وین گرتزکی (بازیکن سابق کانادایی هاکی روی یخ و ملقب به بزرگترین بازیکن هاکی همه دوران) گفت: جمله قدیمی از وین گرتزکی است که من آن را دوست دارم: «موقع هاکی، من ترجیح می‌دهم بینم توپ (هاکی پاک) کجا خواهد رفت و بر این اساس حرکاتم را تنظیم می‌کنم، به جای اینکه کورکورانه دنبال توپ حرکت کنم.» و ما همیشه سعی می‌کنیم تا این را در اپل اجرا کنیم. به دلیل اثربخش بودن استراتژی‌های استیو جابز، هنگامی که در ماه مه سال ۲۰۰۰، ارزش بازار اپل یک بیستم مایکروسافت بود، افزایش یافت. در مه سال ۲۰۱۰، اپل به عنوان ارزشمندترین شرکت تکنولوژی جهان از مایکروسافت پیشی گرفت و در سپتامبر ۲۰۱۱، حدود ۷۰ درصد از مایکروسافت ارزشمندتر بود.

## درگذشت

استیو جابز در تاریخ چهارشنبه ۵ اکتبر ۲۰۱۱ در سن ۵۶ سالگی درگذشت. گواهی فوت جابز نشان می‌دهد که او حوالی ساعت ۳ بعد از ظهر در خانه‌اش در پالو آلتو در کالیفرنیا، بر اثر ایست تنفسی ناشی از سرطان لوزالمعده درگذشت. جابز پس از برگزاری یک مراسم تدفین کوچک و خصوصی در تاریخ ۷ اکتبر، در یک قبرستان عمومی به نام «آلتا مساموریا پارک» در پالو آلتو به خاک سپرده شد.

رامین احمدی  
رشته‌ی کارشناسی علوم تربیتی





## این را می دانستید که ...

- سوسک ها مقاوم ترین موجودات در برابر گرسنگی هستند؟ آنها می توانند یک ماه بدون غذا و دو ماه بدون آب زنده بمانند.
- مردم فیلیپین با ۱۰۰۰ لهجه سخن می گویند؟
- درخت بلوط تا قبل از ۵۰ سالگی میوه نمی دهد؟
- شیرینی تنها مزه ای است که جنین در رحم مادر هم می فهمد؟
- مورچه ها همانند انسان ها صبح ها خمیازه می کشند؟
- موش های صحرایی سالانه یک سوم ذخایر غذایی جهان را نابود می سازند؟
- چین بیشتر از هر کشوری همسایه دارد و با ۱۳ کشور همسایه است؟
- یک نوع وزغ وجود دارد که در بدن خود سم کافی برای کشتن ۲۲۰۰ انسان را دارد؟
- بیماری قند، اولین عامل کوری در جهان است؟
- خوردن کاهو مانع ریزش و سفید شدن موها می گردد؟





- طبیعت سیاره ی اورانوس بر خلاف زمین است؟ یعنی دو قطبش گرم و قسمت های استوایی آن بسیار سرد است.
- ملخ ها فراوان ترین موجودات بر روی زمین هستند و موجوداتی اند که در روز دو برابر وزن خود غذا می خورند؟
- برج میلاد در تهران، با ارتفاع ۴۳۵ متر، بلندترین برج ایران، ششمین برج بلند مخابراتی جهان و بیستمین سازه ی بلند جهان است و ساخت آن ۱۱ سال طول کشید؟
- روستای کندوان در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی تبریز، سومین روستای صخره ای جهان پس از روستای پلکانی پادوکیای ترکیه و داکوتای امریکاست؟
- اقیانوس منجمد شمالی کوچک ترین اقیانوس جهان، خلیج پارس گرم ترین دریای جهان و دریای سرخ (احمر) شورترین دریای جهان است؟
- دریای خزر بزرگ ترین منبع ماهیان خاویاری است که بیش از ۹۰ درصد خاویار جهان را تأمین می کند؟
- در سیبری هوا به حدی سرد است که بخار دهان انسان در هوا یخ می زند و به زمین می ریزد؟

محمد امین چراغی  
رشته دبیری ریاضی



## دوستی کهنه



اگر بخواهم واقع بین باشم و صراحتاً قصه را برای شما بازگو کنم، این است که کسی سلام های چکمه ی کهنه را تحویل نمی گرفت؛ چون هیچ کس توجهی به آن یک جفت چکمه ی کهنه نمی کرد. با این حال معلوم نیست که چرا چکمه ی کهنه اصرار داشت به کسانی که نمی شناخت، سلام برساند. آقای چتر سیاه که بسیار خوش پوش و مرتب بود، با تکبر گفت: «می خواهم بروم کمی قدم بزنم! امروز هوا عالی، مرطوب و سرد است. تمام دیشب را باران باریده. فکر کنم الان شدید تر هم شده باشد.» آقای چکمه ی کهنه که احساساتی بود، فریاد زد: «آه! خواهش می کنم اگر سر راهت به پله ی سوم ورودی نانوائی رسیدی، سلامم را به او برسان. فقط چند کلمه به او بگو: چکمه کهنه سلام رساند.» آقای چتر سیاه با لحنی سرد و بی اهمیّت گفت: «خیلی خوب! اگر یادم ماند به او می گویم.» چتر سیاه با این که از نانوائی هم گذشت و چند لحظه ای روی پله ی سوم مکث کرد، هیچ حرفی درباره ی سلام چکمه ی کهنه به پله نزد.

این چکمه ی کهنه هم چه حرف های احمقانه ای می زندها! یعنی کسی هم هست که حاضر باشد با او آشنا شود؟ او هم برای خود داستانی داشت؛ اوّلاً: چند سالی می شد که از ریخت و قیافه افتاده بود و اصلاً خودش را نمی توانست صاف نگه دارد؛ چون که پاشنه هایش تماماً از بین رفته بود. ثانیاً: تمام چرمش پوسته پوسته شده و نشان نمی داد که از اول چه رنگی بوده. حال داوری را به شما واگذار می کنم. دیگر چه فایده ای دارد که آدم سلام چنین جانور درب و داغانی را به دیگران برساند؟!

راستش آقای چکمه ی کهنه نسبت به دوستان کم توقع بود؛ چون هیچ وقت نمی پرسید که سلام هایش را به پله ی سوم نانوائی رسانده اند یا نه. سال ها بود که چکمه ی کهنه پایش را از خانه بیرون نگذاشته بود. آخر مگر می شد با این سر و وضع بیرون هم برود؟! کم کم ده سالی است که او را دور انداخته اند؛ امّا چون مزاحم کسی نیست، هنوز روی جاکفشی ایستاده است و به بزرگ و کوچک سلام می رساند.

برس کفش خانم گفت: «تو را به خدا بس کن. مردم از سلام نرساندن تو نمی میرند.» برس کفش خانم خیلی تیز بود و چکمه هم خوشحالی می کرد از این که دیگر با او تماس ندارد. آن ها از فکر تماس با او پشتشان تیر می کشید. او هیچ وقت بیرون از خانه نرفته بود؛ چون فکر می کرد بیرون چیزی جز آلودگی و خاک و خل ندارد.

آقای چکمه کهنه با اعتراض گفت: «نخیر! می میرند. همه دوست دارند بهشان سلام برسانم.» کیف پارچه ای گلدار، که خودش را در آداب معاشرت خیلی قبول داشت، گفت: «اگر می خواهی به دیگران ثابت کنی که آن ها را دوست داری، باید چیزی به آن ها بفرستی.» آقای چکمه کهنه جواب داد: «بدون هدیه هم می توانم به دیگران بفهمانم که به یادشان هستم.» به نظر می رسد حق با کیف پارچه ای گلدار است. آقای چکمه ی کهنه با شنیدن این سخنان آهی کشید و بیش از پیش کج و کوله شد. این حرف ها را به چکمه که سهل است، به فولاد هم می زدند کج می شد.

همه ی دوستان چکمه به این فکر می کردند که پله ی سوم چه چیزی لازم دارد؟ چتر سیاه به چکمه قول داد که دفعه بعد که از خانه بیرون رفت، از پله ی سوم بپرسد که چه چیزی لازم دارد تا چکمه برای او تهیه کند و دلش را به دست آورد.

به محض این که هوا بارانی شد، چتر بیرون رفت و عمداً خود را رو به روی مغازه ی نانوايي زمین انداخت و به پهلوی خانم پله ی سوم رسید و گفت: «اشکالی ندارد سؤالی از شما بپرسم؟! خانم پله ی سوم که پیر و فرتوت شده بود، با صدایی خشن و لحنی ضعیف گفت: «نه! خواهش می کنم بپرسید.»

چتر سیاه گفت: «اگر قرار باشد کسی به شما هدیه ای بدهد، چه باشد بهتر است؟» خانم پله ی سوم بی معطلی گفت: «سال ها پیش من دلبسته ی یک چکمه ی خوش پوش و با ابهت بودم. اگر بدانید این چکمه چقدر زیبا بود! حاضرم همه چیزم را بدهم تا بشنوم آن چکمه ی سیاه به من سلام رسانده است...»

و بعد قطره ای اشک از صورت او به سر پله ی دوم غلتید. ناگفته نماند که چتر سیاه در این باره به چکمه چیزی نگفت؛ چون او به کیف پارچه ای گلدار عشق می ورزید و دوست نداشت کسی بداند که کیف پارچه ای گلدار هم گاهی اوقات اشتباه می کند!!!

میلا د مرادي بهپور

رشته ي راهنمائي و مشاوره



## باید به بچه‌های خود زندگی کردن و مهربانی را بیاموزیم

گفت و گو با دکتر هادی حاتمی

**دکتر هادی حاتمی**، مدرّس و پژوهشگر ادبیات، اهل ملایر و دبیر دبیرستان های این شهر است. وی در دانشگاه های دولتی، فنی حرفه ای و علمی کاربردی ملایر و هم چنین دانشگاه فرهنگیان، پردیس های شهید مقصودی و شهید باهنر همدان به تدریس می پردازد.

از آثار ایشان می توان به کتاب «زبان و ادبیات فارسی (برای تدریس در دانشگاه ها)» به همراه روح ... رسولی و مقالات گوناگون از جمله «رستم در آثار مولانا»، «سیمرغ در آثار مولانا»، «قنوس در ادبیات فارسی» و «مدارای مولوی، پیوند شرق و غرب» به همراه استاد گرانمایه دکتر قدمعلی سرامی اشاره کرد.

– **هادی حاتمی را از زبان هادی حاتمی معرفی کنید.** هادی حاتمی معلّمی است عاشق پیشه که عاشق کار خود است. بنده کار معلّمی را دوست دارم و با هیچ کاری عوض نمی کنم. هرچند که در این شغل ناملایمت هایی هم وجود دارد؛ اما باید تحمل کرد. به قول سعدی: «اگر بگریزم از سختی، رفیق سست پیمانم»

– **اگر دوباره به عقب برگردیم، معلّمی را انتخاب می کنید؟ یا معلّمی را انتخاب می کنم یا کاری فرهنگی مثل چاپ کتاب و نویسندگی.**

– **در تدریس و آموزگاری، الگویی هم داشتید؟** بله. بنده هم در دوره ی دبیرستان و هم در دوره ی دانشگاه الگو داشتم؛ در دبیرستان معلّمانی فاضل و محقق چون آقای رضایی جواهری و در دانشگاه استاد قدمعلی سرامی که ایشان در شخصیت بنده بسیار تأثیرگذار بوده و باعث شدند که به کار معلّمی عشق بیشتری پیدا کنم.

– **یکی از خاطرات معلّمی تان را نقل کنید.** سال ۷۲ در روستای علی آباد ملایر معلم بودم. سال ۷۳، در مقطع فوق لیسانس قبول شدم و از آن جا رفتم. در سال ۷۴ که فوق لیسانس گرفتم، باز به همان روستا رفتم و با بچه هایی که سال اول دبیرستان درس داشتم و اکنون به سال چهارم رسیده بودند، کلاس گرفتم. یک روز دانش آموزی پیش من آمد و گفت که آقای حاتمی! من در سال اول دبیرستان می خواستم که ترک تحصیل کنم؛ ولی اخلاق و رفتار شما باعث شد که من به درس و مدرسه علاقه مند شوم و درسم را ادامه دهم. من با خودم گفتم که خدایا! اگر من در زندگی، یک کار خوب کرده باشم، شاید همین کار باشد.

– **به نظر شما نقاط ضعف و قوت آموزش و پرورش کشور ما چیست؟** در حال حاضر، وضعیت آموزش و پرورش بسیار نگران کننده است. مثلا کتاب هایی که در سال ششم ابتدایی تدریس می شوند، مسائل بسیار مشکلی دارند؛ به طوری که بچه ها واقعا از درس و کتاب زده می شوند. ما، در آموزش و پرورش باید به بچه ها زندگی کردن را یاد بدهیم؛ نه سرشان را از فرمول پر کنیم.

الان در سطح استان همدان، چندین مدرسه ی تیزهوشان وجود دارد؛ در صورتی که علم به ما می گوید از هزار نفر، یک نفر تیزهوش است. فشار روحی روانی به بچه وارد می شود و در آینده می تواند مشکلات فراوانی برای او به وجود آورد. وقتی ما دائم به دانش آموزان اضطراب وارد می کنیم، مطمئنا آن بچه نمی تواند در آینده یک پدر یا مادر خوب باشد. در واقع، تقسیم بندی هایی که آموزش و پرورش در مدارس به وجود آورده - تیزهوشان، نمونه و... - درست نیست. مدرسه باید مانند جامعه باشد و همه در کنار هم برای کسب علم تلاش کنند.



- مقایسه ای بین تربیت معلّم و دانشگاه فرهنگیان ارائه می دهید؟ تربیت معلّم در کل محیط خوبی بود و بچه ها از نظر روحی و روانی این آمادگی را پیدا می کردند که قرار است، تدریس کنند. البته دانشگاه فرهنگیان، باید از تربیت معلّم سطح بسیار بالاتر و محیط دانشگاهی و بازتری داشته باشد و مثل مدرسه نشود. یکی از ایراداتی که به تربیت معلّم می گرفتند، این بود که مثل مدرسه است و جوّ دانشگاه بر این محیط حاکم نیست.

اگر در دانشگاه فرهنگیان، فضا دانشگاهی تر شود و از استادان برجسته دعوت به عمل بیاید، بسیار خوب است. دانشجویان باید افراد بزرگ را ببینند و از آنان الگو بگیرند. مثلاً بنده با دکتر سرّامی در دانشگاه درس داشتم. جلسه ی اوّلی که ایشان سر کلاس آمدند، واقعا مرا زیر و رو کردند و تأثیر بسیار زیادی در تحصیل و موفقیت من داشتند.

- چه توصیه ای به دانشجویان دارم؟ کار معلّمی کار سختی است. اگر کسی برای پول و مادّیات وارد این شغل شده، باید بگویم که کاملاً در اشتباه است. البته خدا را شکر آن قدری هست که دستان به دهنمان برسد. اما از نظر معنوی معلّمی با هیچ شغل دیگری قابل مقایسه نیست؛ یعنی لذتی که انسان از معلّمی می برد، همان لبخند رضایت دانش آموز است. دانش آموز پیش من آمده و گفته که آقای حاتمی! من خواستم خودکشی کنم، اما شما نگذاشتی و مرا نجات دادی. و شما می دانید که اگر کسی را نجات دهید، دنیایی را نجات داده اید.

- تا چه اندازه به مطالعه اهمیت می دهید؟ زندگی من با کتاب و مطالعه گره خورده و بسیاری از کتاب های منبع را دارم. در واقع زندگی هر معلّمی با کتاب گره خورده است؛ مثلاً مگر می شود، معلّم ادبیّاتی فرهنگ معین را نداشته باشد؛ ولی معلّم ادبیّات باشد؟! البته میانگین مطالعه در کشور ما بسیار کم است.

- نسبت به ادبیّات چه حسی دارید؟ ادبیّات به قول هلن کلر بهشت موعود است. به نظر من، ادبیّات روح زندگی است. اگر ادبیّات نبود، ما کمبودهای فراوانی داشتیم. تمام هویت ملّتی، مذهبی و عرفانی در ادبیّات جمع شده و در واقع ادبیّات روح ملت هاست.

- برای تسلّط بر ادبیّات خیلی زحمت کشیدید؟ ادبیّات اوّل عشق می خواهد؛ مثلاً پیش آمده که من برای پیدا کردن یک کلمه، چندین کتاب را زیر و رو کرده ام. برای پیدا کردن یک شعر، چندین کتاب و دیوان را گشته ام. شعرای ما مثل سعدی، حافظ و فردوسی پایه گذاران فرهنگ ما هستند. فرهنگ چیزی نیست که شما آن را بخرید. فرهنگ را باید خود ملت ها بسازند. باید از گذشته ی خودمان به دست آوریم. در واقع ما باید برای فرهنگ هزینه کنیم. اگر ما بخواهیم از طریق فرهنگ پول به دست بیاوریم، در حقیقت فرهنگ و هویت خودمان را به دست خودمان نابود کرده ایم. بنده معتقدم که شاهنامه ی فردوسی برابری می کند با تمام چاه های نفت ایران؛ ملت های زیادی منابع نفتی ندارند؛ اما ملت هایی هستند با فرهنگی غنی که البته بر عکس آن هم وجود دارد. فردوسی با شاهنامه هویت ما را حفظ کرده و این بسیار مهم است.

- چه کتاب یا کتاب هایی خواندید که روی شما تأثیر گذاشت؟ زندگی نامه های خودنوشت یا همان اتوبیوگرافی بر روی من بسیار تأثیر گذاشته؛ برای نمونه: «شما که غریبه نیستید» از آقای هوشنگ مرادی کرمانی. «در فاصله ی دو نقطه» از خانم ایران درودی که از نقّاشان معاصر هستند. کتابی با عنوان «در جست و جوی صبح» از آقای عبدالرحیم جعفری، بنیان گذار انتشارات امیرکبیر. «روزها» اثر دکتر اسلامی ندوشن و «آن روزها» ی طاها حسین که کتاب بسیار زیبایی است.

- یکی از ادبیّاتی که خیلی دوست دارید؟ در خرمن کائنات کردیم نگاه/ یک دانه محبت است و باقی همه کاه. و رنج راحت دان چو مطلب شد بزرگ/ گرد گلّه توتیای چشم گرگ.

- در پایان، اگر سخنی دارید، بفرمایید.

پیش از من و تو بسیار، بودند و نقش بستند  
این نغمه ی محبت، بعد از من و تو ماند

دیوار زندگی را، زین گونه یادگاران  
تا در زمانه باقی ست، آواز باد و باران

محمّدرضا سپهری راد/ کارشناسی زبان و ادبیّات فارسی  
با تشکّر از: مهدی فرهادی/ راهنمایی و مشاوره



## میهن من - زندگی نامه و افتخارات پروفیسور مجید سمیعی

پروفیسور مجید سمیعی در یک خانواده معروف گیلانی به سال ۱۳۱۶ هـ.ش در تهران متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر به پایان رسانید و سپس عازم آلمان گردید.

رشته های بیولوژیکی و پزشکی را در دانشگاه ماینس به پایان رسانید و سپس دوره ی تخصص جراحی مغز و اعصاب را زیر نظر پروفیسور کورت شورمن شروع کرد و در سال ۱۳۴۹ در ۳۳ سالگی به اخذ درجه ی تخصص در این رشته نایل شد.

وی کار علمی را با سمت استادیاری و معاونت بیمارستان جراحی مغز و اعصاب آغاز کرد. پس از چندی سرپرستی بخش جراحی مغز و اعصاب اطفال را به عهده گرفت. در سال ۱۳۵۱ به اخذ درجه ی پروفیسوری جراحی مغز و اعصاب از دانشگاه ماینس نایل گردید.

ضمن کارهای پزشکی و تدریس، لحظه ای از تحقیق و تتبع غافل نبود و در زمینه ی تورم مغز و ترمیم و بازسازی جراحی اعصاب محیطی مطالعات ارزنده ای انجام داد. در سال ۱۳۵۰ اولین دوره از دوران آموزشی جراحی میکروسکوپی را آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ نخستین آزمایشگاه تمرین جراحی میکروسکوپی آلمان را با کمک بنیاد فولکس واگن تأسیس نمود.



تجربیات پیوند اعصاب محیطی و بازسازی اعصاب مغز توجه پروفیسور سمیعی را به مشکلات جراحی در قاعده ی جمجمه جلب کرد و در این زمینه اولین گامهای پیشرفت را برداشت که مورد توجه جهان پزشکی قرار گرفت.

در سال ۱۳۵۶، ریاست بیمارستان جراحی مغز و اعصاب را در شهر هانور به عهده گرفت در همین سال، کرسی جراحی مغز و اعصاب در دانشگاه لیدن هلند به وی اعطا شد و در سال ۱۳۶۶ دانشگاه ماینس تصدی کرسی جراحی مغز و اعصاب را به او پیشنهاد کرد.

در سال ۱۳۶۷ با قبول تصدی کرسی جراحی مغز و اعصاب در دانشگاه هانور به کار پرداخت. از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ ریاست انجمن بین المللی قاعده ی جمجمه را به عهده داشت و در سال ۱۳۷۱ به ریاست فدراسیون جهانی انجمنهای قاعده ی جمجمه انتخاب شد.

پروفیسور سمیعی ایجاد کننده ی زیر شاخه ای از جراحی مغز، به نام جراحی قاعده مغز است و در زمینه جراحی میکروسکوپی مغز ابداع کننده روشهای تازه و بی نظیری بوده است. وی مدتها ریاست مجمع جهانی جراحان مغز و اعصاب جهان

را داشته و محل کار او اکنون در هانوفر آلمان و در انستیتوی بین المللی دانش نورولوژی یا INI است. در این موسسه پیچیده ترین جراحی های مغز انجام می شود.

ساختمان این انستیتو از لحاظ معماری، شاهکار محسوب می شود؛ چرا که به پیشنهاد دکتر سمیعی، معماران آن را به شکل مغز انسان ساخته اند.



با توجه به اینکه آقای «دکتر سمیعی» ارتباط‌های بسیار نزدیکی با پزشکان ایرانی دارند و علاقه مند به پیشرفت علوم پزشکی و به ویژه جراحی مغز و اعصاب در کشور عزیز ما هستند، تصمیم گرفتند یک پروژه نسبتاً بزرگ و قابل توجه را در کشور ما اجرا کنند. این پروژه که با حمایت و هدایت ایشان شروع شده، در حقیقت مجموعه‌ای از کار خیریه، دولتی و خصوصی بوده و قرار است طی آن موسسه‌ای شبیه موسسه علوم مغز و اعصاب هانوفر، در تهران نیز ساخته شود. ساخت بنای این مرکز توسط موسسه‌های خیریه و افراد نیکوکار صورت می‌گیرد، اما هدایت این پروژه را خود دکتر سمیعی بر عهده دارد و پشتیبانی علمی آن نیز بر عهده دانشگاه علوم پزشکی تهران است. این پروژه از دو سال قبل مطرح و کار اجرایی آن از سال گذشته به صورت جدی آغاز شده است. وی طی دو سال گذشته، جریان اجرای این پروژه را به دقت پیگیری می‌کردند. از کارهای مهم دیگر ایشان این است که وی فرصتی را فراهم آورد تا ۱۱ نفر از متخصصان جوان رشته‌های مرتبط با اعصاب (اعم از جراحی اعصاب، داخلی اعصاب، چشم پزشکی، گوش و حلق و بینی و آنهایی که با منطقه ستون فقرات و مغز و جمجمه ارتباط دارند)، برای گذراندن دوره دکتری مشترک میان دانشگاه علوم پزشکی تهران و هانوفر (که خودشان ریاست آن را بر عهده دارند) و دانشگاه‌های وابسته، پذیرش شوند که این عده در حال حاضر در آلمان به سر می‌برند. این پروژه نیز با هدایت دکتر سمیعی انجام شد و ارتباطات خوبی نیز که وی در آنجا برقرار کرده بود، در اجرای این طرح نقش بسیار مهمی داشت.

بخشی از تجربیات علمی او در ۱۳ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله‌ی علمی منعکس شده است. برای تجلیل از مقام علمی و تجربیات ارزنده‌ی وی و همچنین گام‌های بلندی که در پیشرفت جراحی مغز و اعصاب برداشته است، رییس جمهوری آلمان غربی در سال ۱۳۶۷ نشان خدمت درجه ۱ دولت آلمان را به او اهدا کرد. در همین سال جایزه علمی استان نیدرزاکس آلمان، به پاس فعالیت‌های پرارزش وی در راه پیشرفت جراحی مغز و اعصاب به نامبرده اهدا شد. پروفیسور سمیعی، طی ۲۵ سال اخیر، در بیش از ۲۰۰ کنگره‌ی علمی شرکت و تجربیات پزشکی خود را ضمن سخنرانی‌های متعدد ارائه نموده است.

ایشان از سوی مجامع علمی پزشکی جهان لوح‌های سپاس و جوایز گوناگونی دریافت کرده و در حال حاضر در جهان پزشکی به عنوان جراح پیشتاز در رشته مغز و اعصاب شناخته شده است.

پروفیسور سمیعی در آبان ماه ۱۳۸۵ در ششمین همایش چهره‌های ماندگار جزو ۲۴ شخصیت علمی و فرهنگی بود که مورد تجلیل قرار گرفت.

عالی‌ترین نشان افتخاری دولت چین نیز به پاس ۴۰ سال خدمات و تلاش‌های پروفیسور مجید سمیعی به جامعه پزشکی، به ویژه تلاش‌های وی در اعتلای دانش جراحی مغز و اعصاب چین در هفتم مهر ۱۳۸۶ توسط «زنگ پیمان» معاون نخست‌وزیر چین به وی اعطا شد.

با توجه به عشق و علاقه‌ی وافر این جراح بزرگ به کشور عزیزشان و همچنین اشتیاق وی برای انتقال تجربه‌ها و دانسته‌های خود به پزشکان ایرانی، نزدیک سه سال است که وی استاد وابسته دانشگاه علوم پزشکی تهران است.







[ساختمان INI در هانوفر آلمان و محل کار پروفسور مجید سمیعی]

ایشان در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که « تاکنون چند عمل قاعده جمجمه روی بیماران مختلف در جهان انجام داده اید؟ » گفت :

« من تاکنون ۸ هزار عمل جراحی قاعده جمجمه روی بیماران انجام داده ام که یک رکورد جهانی است. در واقع من هر روز در اتاق عمل هستم و روزانه به طور متوسط بین ۴ تا ۶ عمل جراحی انجام می دهم حتی در وضعیتی که به نوعی بیمار بوده ام یا از خستگی مفرط رنج می بردم باز هم عمل بیماران را انجام داده ام. »  
و اما بد نیست بدانید که ...

- حوادث ترافیکی در ایران عامل بروز بالاترین صدمات مغزی است، در حالی که در سایر کشورها بخش اعظم جراحی های مغز و اعصاب، بیشتر روی تومورها انجام می شود.  
- هم اکنون ۹ مرکز تخصصی آموزشی در تهران، با تمرکز روی جراحی مغز و اعصاب در حال فعالیت هستند.

#### - کتاب ها :

برش نگاری پنوموآنسفال - جنبه های نوین اعصاب محیطی - اعصاب جمجمه ای - ضربه های وارد بر قاعده ی جمجمه - جراحی در ساقه ی مغز و بطن سوم و اطراف آن دو - جراحی قاعده مغز - ضایعات اعصاب محیطی - جراحی منطقه ی زین ترکی و سینوسهای پیرامون بینی جراحی مننژیوم قاعده ی مغز - جراحی کلیوس - روشهای نوین بازسازی استخوان - دوخت عروق و اعصاب و نیز پیوند در جراحی پلاستیک و جراحی ترمیمی - جراحی قاعده ی مغز - اطلس جراحی قاعده ی جمجمه.

محسن عباسی  
رشته ی کارشناسی علوم تربیتی

## مقدمه:

قرآن کریم به عنوان چراغی پر فروغ که کامل ترین برنامه و قوانین را برای سعادت بشر دارد، در آیات نورانش مکتب تعلیم و تربیت اسلامی را به زیبایی هر چه تمام ترسیم کرده و خداوند را به عنوان اولین معلم بشر معرفی نموده است که به پیامبرش در آغاز بعثت فرمود:

( اقرء باسم ربك الذی خلق، خلق الانسان من علق، اقرء و ربك الاكرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم ) (سوره علق). این چنین مکتب تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان مکتبی ممتاز، مستقل و با مبانی و اصول مشخص پدیدار گردید که در آن، علم و دانش، معلم و متعلم (شاگرد و مربی) و مدرسه و مکتب خانه از جایگاهی بسیار ارزشمند برخوردار گشت.

ما در این نوشتار علاوه بر نگرشی کلی به مکتب یاد شده، به جایگاه، رسالت و ویژگی های یک آموزگار از منظر آیات و وحیانی قرآن کریم و روایات نورانی معصومین (علیهم السلام) پرداخته ایم. هم چنین رسالت یک آموزگار قرآنی را همان رسالت خداوند و رسالت رسولان الهی در هدایت، سرپرستی و خروج از ظلمات به سوی نور و رشد و کمال بخشی انسان به قرب حضرت حق دانسته ایم. و دیگر اینکه در مقام پاسداشت از تلاشهای معلمان، سخنی بالاتر و زیباتر از کلام مولای متقیان، حضرت علی (علیه السلام) نیافتیم که فرمود: «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً» (جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۱۲) کسی که به من یک حرف بیاموزد، مرا بنده ی خود کرده است.

اکنون وارد بحث اصلی می شویم:

## مقام معلم از دیدگاه قرآن و اسلام

نخستین معلم، خدا است: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره/۳۱)

به آدم نام های اشیا و خواص و اسرار چیزهایی را که نوع انسان از لحاظ پیشرفت مادی و معنوی، آمادگی فراگیری آن ها را داشت، به دل او الهام کرد و به او همه را آموخت...

دومین معلم، پیغمبرانند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ» (روم/۴۷)

ما پیش از تو، پیغمبران بزرگواری به سوی اقوام خود روانه کرده ایم و ایشان برای آنان دلیل ها و برهان ها ذکر کرده اند و بدیشان معجزات روشنی نموده اند...

سومین معلم، علما و فرزندانند: الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (احزاب/۳۹) کسانی هستند که رسالت های خدا را می رسانند و از او می ترسند و جز خدا از کسی هراس ندارند و کافی است که خدا حسابرس باشد...

اسلام، معلم را به عنوان پدر روحانی معرفی می کند و می گوید: «اب معلمک» یعنی یکی از پدران ثلاثه تو، معلمی است که به تو دانش می آموزد؛ بنابراین تمام حقوقی که درباره پدر و مادر رعایت می شود، باید در حق معلم به صورت کامل تری رعایت گردد. این نام، چنان با عظمت است که در جای جای متون اسلامی از او تجلیل به عمل آمده؛ تا به آن حد که خداوند علیم، خود را معلم خوانده.



امام خمینی (رحمة الله عليه) در این مورد فرموده‌اند: «معلم اول، خدای تبارک و تعالی است که اخراج می‌کند مردم را از ظلمات به نور. و به وسیله انبیا و آیات وحیانی مردم را دعوت می‌کند به نورانیت؛ دعوت می‌کند به کمال، به عشق و به محبت و به مراتب کمالی که از برای انسان است. به دنبال او انبیا هستند که همان مکتب الهی را نشر می‌دهند و آن‌ها هم شغل‌شان تعلیم است؛ معلمند؛ معلم بشرند؛ آن‌ها هم شغل‌شان این است که مردم را تربیت کنند و انسان را تربیت کنند که از مقام حیوانیت بالا برود و به مقام انسانیت برسد.»

مقام معلم، مقامی والاست؛ چنین است که آموزگاران وارثان انبیاء شمرده می‌شوند. این مفهوم در احادیث و سخنان بزرگان آمده است و فرموده‌اند: «انّ العلماء ورثة الانبیاء» یعنی دانشمندان وارثان پیامبرانند.

معلم راهبر دل‌ها به قلّه‌های کمال و سعادت است؛ می‌توان او را باغبانی دل سوز برشمرد که بذر ایمان می‌افشاند و گل تقوا می‌پروراند.

جایگاه و شأن معلم و استاد تا بدان جاست که رسول الله (ص) در کلامی به حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «یا علی اگر یک فرد به وسیله تو و (به مدد الهی) طریق هدایت را باز یابد و به حق رهنمون گردد، پرازش تر و بهتر از آن است که ما لک شتران سرخ موی فراوان باشی.»

در نظام تعلیم و تربیت اسلام، آموزگار مسؤول بخشی از مقدراتی است که برای یک جامعه پیش می‌آید و مسؤول تمام انسان‌هایی است که زیردست او باید تربیت شوند. آموزگار اگر خودسازی کند و حاکم بر خویشتن باشد، افراد یک جامعه، مردمانی صالح خواهند بود. در مقابل اگر تربیت دینی نداشته باشد، دانش آموزانش را به خرابی می‌کشاند؛ زیرا پس از نهاد خانواده که کانون مهر پدر و مادر است، مدرسه مهم‌ترین مکان برای تعلیم و تربیت به حساب می‌آید؛ جایی که اگر معلم، معلمی کند، راه‌های نور گشوده و درهای زندان بسته می‌شود.

در پایان، نام چند کتاب و تحقیق که به مقام تعلیم و تربیت پرداخته‌اند: تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید ثانی و امام خمینی از احمد ظهیری / مقام معلم از استاد جلال‌الدین همایی / تعلیم و تعلم در اسلام از محمدباقر حجتی / اسلام و تعلیم و تربیت نوشته‌ی ابراهیم امینی / سیره‌ی شهید رجایی از غلامعلی رجایی

بهرروز قاسمی  
رشته دبیری علوم اجتماعی



## حتما بخوانید؛ حتی شما دوست عزیز!

شام آخر — [دوهفته نامه ی تعطیلات سبز / شماره ی ۶۹ / نیمه ی دوم مرداد ۹۰]

وقتی روس ها به ناسا خندیدند - [دوهفته نامه ی دانستنیها / شماره ۳۶ / ۵ شهریور ۱۳۹۰]

لئوناردو داوینچی هنگام کشیدن تابلوی «شام آخر» دچار مشکل بزرگی شد؛ [او] می بایست نیکی را به شکل عیسی و بدی را به شکل یهودا، از یاران مسیح که هنگام شام تصمیم گرفت به او خیانت کند، تصویر می کرد. کار را نیمه تمام رها کرد تا مدل های آرمانیش را پیدا کند. روزی در یک مراسم همسرایی، تصویر کامل مسیح را در چهره ی یکی از آن جوانان همسرا یافت. جوان را به کارگاهش دعوت کرد و از چهره اش اتودها و طرح هایی برداشت. سه سال گذشت. تابلوی شام آخر تقریباً تمام شده بود؛ اما داوینچی هنوز برای یهودا مدل مناسبی پیدا نکرده بود. [از طرفی هم] کاردینال، مسؤول کلیسا، کم کم به او فشار می آورد که نقاشی دیواری را زودتر تمام کند.

نقاش پس از روزها جستجو، جوان شکسته و زنده پوش و مستی را در جوی آبی یافت. از دستیارانش خواست او را به کلیسا بیاورند؛ چون دیگر فرصتی برای طرح برداشتن نداشت. گدا را که درست نمی فهمید چه خبر است، به کلیسا آوردند. دستیاران سرپا نگهش داشتند و در همان وضع، داوینچی از خطوط بی تقوایی، گناه و خودپرستی که به خوبی بر آن چهره نقش بسته بودند، نسخه برداری کرد.

هر دهه در آمریکا کتاب جالبی با عنوان «اشتباهات بزرگ» چاپ می شود که در آن بیشتر به سوتی مقامات بلند پایه و مشاهیر پرداخته می شود. یکی از گاف های بزرگ دهه ی ۶۰ که بعداً در این کتاب منتشر شد، به رقابت فضایی امریکا و شوروی مربوط می شود. این قضیه برمی گردد به سال ۶۸؛ اوج رو کم کنی های امریکا و شوروی.

در آن دوره وقتی فضانوردان امریکایی از جو زمین خارج می شدند، به دلیل نبود نیروی جاذبه، نمی توانستند روی کاغذ گزارش بنویسند؛ چون جوهر خودکار یا خودنویس روی کاغذ سرازیر نمی شد. در آن سال رییس سازمان ناسا، جیمز ادوین وب، تصمیم گرفت این مشکل را حل کند. او از تمام شرکت های تجاری و پژوهشی دعوت به همکاری کرد. سرانجام پس از گذشت هشت ماه و صرف حدود یازده میلیون دلار سرمایه، یک شرکت خصوصی موفق شد قلمی بسازد که در تمام شرایط، حتی زیر آب، در فضا، در سرما و گرمای شدید و خلاصه همه جا قابل استفاده باشد. زمانی که این محصول رونمایی شد، جشنی به این مناسبت گرفتند و کلی با خودشان حال کردند. در همین موقع تلگرافی از طرف سازمان فضایی روسیه به دستشان رسید که از این قرار بود: «کار بسیار خنده داری انجام داده اید. ما چندین سال است برای ثبت اطلاعات در فضا از مداد استفاده می کنیم. تمام»

امریکایی ها آن قدر خجالت زده شده بودند که طبق خاطرات نوشته شده ی وب، دفتر پژوهشی سازمان ناسا برای چهار ماه به طور کامل تعطیل شد.





## احساس خطر

این شب تیره به امید سحر باید کرد  
 نکنم پشت به دشمن که گذر باید کرد  
 با نوشتن ز خدا رمی جمر باید کرد  
 که در این حربه فقط سینه سپر باید کرد  
 طی این مرحله با دیده ی تر باید کرد  
 بار دیگر به خدا شقّ قمر باید کرد  
 مثل آن خون خدا قصد سفر باید کرد  
 در ره عشق خدا ذبح پسر باید کرد  
 ((کز شکر خنده ی معشوقه حذر باید کرد))

مهرداد زارعی  
 رشته ی علوم تربیتی

دیگر انگار که احساس خطر باید کرد  
 آسمان می شود انگار پر از نیزه و تیر  
 در گلستان که کنون مأمّن شیطان شده  
 برد این عهد نگهدار به میدان نبرد  
 عشق و اخلاص و خدا رمز شب است  
 قطع این سلسه سخت است ولیکن چه کنیم  
 من که فرمان نبرم از سخن اهرمنان  
 نکند کس گذر از معبر رندانه ی دوست  
 مشو ای عارف دیوانه رفیق دگران

## بغض

گشته مهیا خلیل، موعد قربان رسید  
 تا به لقایش رسد، مست و خرامان رسید  
 بر سر نی آفتاب، قاری قرآن رسید  
 مردم عالم به گوش! آن شه خوبان رسید  
 در ره او جان سپرد، رفت و به جانان رسید  
 راه گلو بسته شد، شعر به پایان رسید

سید حسین ساداتی ملک (ملک)  
 کارشناسی علوم تربیتی

کشتی نوح آمد ونوبت طوفان رسید  
 رفته به دیدار یار، برده زدل ها قرار  
 ساخت وضویش زخون، گشت سما نیلگون  
 سائل کویش بود، کون ومکان، خوب و بد  
 پادشه عالمین، راحت جانم حسین  
 نام تو را هر که برد، بغض گلو را فشرد



## دریای لطف

وصف او کی می رود اندر بیان؟  
از عطایش خم شده هفت آسمان  
کرده تا با خود برد تا بی کران  
گنبدش از دور می گردد عیان  
چشمه از در یای او گردد روان  
والضحایش تیر مژگان در کمان  
بید مجنون سر کشد بر آستان  
یا رضا! مولای من! آقا امان

مهرداد زارعی

چشم آهو در امان است از کمان  
لطف و مهرش را فقط آهو ندید  
آسمان گلدسته ها را در بغل  
دل چه زیبا بی قرار می کند  
لطف دریایش فقط آبی نبود  
شرح قرآن جلوه ی روی تو است  
جلوه ی لیلایی ات موجب شده  
عارف از زندان جانش آمده

## گمشده ی عشق

چون با تو خوشم حاجت اکرام ندارم  
بین دست تمنای مرا، جام ندارم  
در نفس خودم گم شده ام دام ندارم  
طاقت ز دم رفته و سرسام ندارم  
دیوانه ی نامت شده آرا م ندارم  
لطفی به دم، غم بنشان، بام ندارم  
افسار به تو داده ام و گام ندارم  
من گمشده ی عشق توام نام ندارم

امیر حسین افشاری  
رشته کارشناسی علوم تربیتی

من مُحرم غم گشتم و احرام ندارم  
ساقی! قدحی ده به من از باده ی عشقت  
دامی بنشان تا من سرگشته بگیری  
روزی که مرا پیرمغان گفت زعشقت  
چون نام تورا از سر هر لب بشنیدم  
گویند که لطفت سر هر بام نشانی  
هرجا که بخواهی بکشان رشته ی جانم  
بر سنگ مزار همه کس نام نویسند

# یک سبب سلامتی

## سیر ترشی

برخی خانواده ها بر این باورند که هرچه از زمان تهیه ترشی بگذرد، کیفیت بهتری پیدا می کند و حتی معتقدند سیر ترشی چند ساله خاصیت درمانی دارد و التیام دهنده بیماری های قلبی است. اما حقیقت این است، اگرچه ترشی های جاافتاده، خوشمزه تر هستند، ولی باید دانست سرکه و نمک افزوده شده به ترشی با گذر زمان از خاصیت و میزان مواد مغذی ترکیبات ترشی می کاهد و آن را به محصولی بی ارزش تبدیل می کند. این را هم بدانید ماندگاری زیاد برخی از انواع ترشی موجب ایجاد فعل و انفعالات شیمیایی در آن شده و ماده ای مضر به نام نیترات تولید می شود که در طولانی مدت خطر ابتلا به سرطان معده را افزایش می دهد.

## خندیدن

نتایج یک مطالعه نشان می دهد که «خنده به اندازه ورزش برای سلامتی مفید است»: در این مطالعه از تعدادی افراد داوطلب خواسته شد که یک برنامه کمدی ۲۰ دقیقه ای را تماشا کنند. این افراد در حین تماشای این برنامه تحت کنترل پزشکی قرار داشتند و فشار خون آنها اندازه گرفته می شد.

آزمایش نمونه های خون این افراد نشان داد که ترشح هورمون تنش در این افراد به میزان قابل توجهی کاهش یافت و فشار خون و سطح کلسترول آنها نیز پایین آمد.

همچنین خنده درست به همان روشی که ورزش موجب تحریک اشتها می شود، اشتها را تحریک می کند. بنابراین خنده می تواند روشی برای کاهش نه تنها تنش بلکه بیماری قلبی و دیابت باشد.

دانشمندان می گویند: این موضوع می تواند برای افراد مسنی که نمی توانند ورزش مورد نیاز خود را انجام دهند خبر خوبی باشد.

دکتر "لی برک" از دانشگاه "لوما لیندا" در کالیفرنیا که ریاست این مطالعه را برعهده داشت، گفت:

احساسات و رفتار تاثیر فیزیکی بر بدن دارند.

وی افزود: واکنش بدن به خنده مکرر همانند تاثیر انجام ورزش منظم است.

این دانشمند که بیش از ۲۰ سال تاثیر خنده را بر بدن انسان مورد مطالعه قرار داده گفت: اندورفین ها که در جریان خنده آزاد می شود شبیه اندورفین هایی است که در جریان ورزش ترشح می شود.

یافته های این مطالعه در کنفرانس 'Experimental Biology' ارائه شد.

لازم به یادآوری است خندیدن سبب از بین رفتن بسیاری از فشارهای روحی و روانی شده و راندمان کاری را در افراد بالا می برد.

خنده درمانی سیستم ایمنی بدن را افزایش داده باعث می شود کمتر دچار سرماخوردگی و عطسه شوید همین طور بروز عفونت های حلق و ریه را تا حد قابل ملاحظه ای کاهش می دهد.

خنده استقامت بدن را در ابتلا به بیماری هایی همچون آسم، برونشیت، سردردهای عصبی و میگرن، و نیز دردهای ناشی از آرتروز، دیسک کمر و ستون فقرات افزایش می دهد.



رفتار های اشتباهی که باعث آسیب رساندن به مغز می شود:

۱- نخوردن صبحانه: کسانی که صبحانه نمی خورند فشار خونشان به سطح پایین تری افت میکند.

۲- پر خوری: این امر باعث تصلب شرایین (سختی دیواره ی رگهای) مغز شده و منجر به کاهش قدرت ذهنی می شود.

۳- استفاده از دخانیات و سیگار کشیدن: این امر باعث کوچک شدن چند برابری مغز و منجر به آلزایمر می شود.

۴- استفاده زیاد از قند و شکر: استفاده زیاد از این دو جذب پروتئین مواد غذایی را متوقف می کند و منجر به سوء تغذیه و احتمالاً اختلال در رشد مغزی خواهد شد.

۵- آلودگی هوا: مغز بزرگترین مصرف کننده اکسیژن در بدن ماست پس دمیدن هوای آلوده باعث کاهش اکسیژن تأمین مغز شده و منجر به کاهش کارایی مغز می شود.

۶- کمبود خواب: خواب به مغز ما اجازه استراحت میدهد دوره ی طولانی کاهش خواب منجر به شتابگری مرگ سلول های مغزی خواهد شد.

۷- پوشاندن سر به هنگام خواب: خوابیدن با سر پوشیدن باعث افزایش دی اکسید کربن و کاهش تجمع اکسژن شده و منجر به تأثیرات مخرب مغزی خواهد شد.

۸- کار کشیدن از مغزتان در هنگام بیماری: کار سخت یا مطالعه در هنگام بیماری ممکن است منجر به کاهش کارایی مغز و در نتیجه صدمه ی مغزی شود.

۹- کاهش افکار مثبت: فکر کردن بهترین راه برای تمرین دادن به مغزمان است. کاهش افکار مثبت مغزی ممکن است باعث کوچک شدن مغز شود.

۱۰- کم حرفی: مکالمات انتزاعی منجر به رشد کارایی مغز خواهد شد.



مهمترین دلیلی که مسواکتان را دور بیندازید اگر بدانید مسواک تان می تواند ۱۰ میلیون جرم و باکتری را روی خود جای دهد، هر چند وقت یک بار آن را عوض می کنید؟

زمان تعویض مسواک:

انجمن دندانپزشکی آمریکا توصیه می کند تعویض مسواک یا تعویض سر مسواک (در صورتی که از مسواک برقی استفاده می کنید) به طور متوسط هر ۳ ماه یکبار صورت گیرد. البته این مدت زمان بیشتر از این که به مسواک بستگی داشته باشد، به دارنده مسواک مربوط می شود..

اگر شما دستان سنگینی داشته باشید برس مسواک ممکن است بسیار سریعتر از این زمان فرسوده شود. به خاطر داشته باشید که تعیین کننده اساسی تقویم نیست بلکه حالت برس مسواک می باشد.

بهترین زمان تعویض مسواک زمانی است که برس مسواک حالت خود را از دست داده و موهای برس از حالت عمودی خارج شوند. توجه داشته باشید که مسواک فرزندانان نیز باید به طور منظم چک شود. چرا که احتمالاً به دفعات بیشتری نیاز به تعویض خواهند داشت.

مغز



فرشید گوهری / رشته ی کارشناسی علوم تربیتی  
محمدامین چراغی / رشته ی دبیری ریاضی



## ترفند دوم:

وقتی می خواهید بدانید که کلمه ی مورد نظر شما در سایت وجود دارد یا نه؟ و سایت امکان جستجوی کلمه و... را برای کاربران خود تدارک ندیده، تنها کاری که می توانید کنید این است که:

در مرورگر Internet Explorer خود از نوار منو گزینه view را انتخاب کنید و سپس find را انتخاب کنید. در صفحه باز شده عبارت مورد نظر را تایپ و find را کلیک کنید. با انجام این کار به راحتی کلمه مورد نظر در صفحه قابل مشاهده می شود. حال اگر پشت سر هم FIND را بزنید، قطعا در صورت وجود کلمه های دیگر در ادامه آن ها هم دیده خواهند شد. حال اگر مرورگر شما کروم یا موزیلا است، می توانید با کلید ترکیبی CTRL+F نوار ابزاری در پایین سمت چپ برای موزیلا و بالا سمت راست برای کروم نمایان می شود که با جستجوی عبارت در آن می توانید کلمه ی مورد نظر را در صفحه پیدا کنید.

با سلام خدمت دوستان عزیز و گرامی!  
در این صفحه از مجله به بررسی ترفند های مختلف اینترنت می پردازیم:  
اگر از افرادی هستید که وب گردی کار اساسی شماست و شب و روز در حال سر زدن به سایت های مختلف هستید، توصیه ی ما این است که تمام این مقاله را یاد بگیرید؛ زیرا برای شما بسیار کارآمد است. این ترفند ها در واقع راه های میانبر برای دست یافتن به محتوای سایت هاست.

## ترفند اول:

اگر وارد سایتی شده اید که تمایل شدیدی به دیدن عکس های آن دارید، اما نمی توانید عکس را ببینید یا به عبارت دیگر عکس مورد نظر به صورت مربعی که در آن ضربدر قرمز قرار گرفته، مشاهده می شود. برای این کار اغلب راست کلیک کرده و گزینه show pic را کلیک می کنند که ۹۰ درصد بی فایده است؛ اما راه حل جالب آن:

بر روی آیکن عکس راست کلیک کنید و بعد properties را انتخاب کنید. در این کادر محاوره ای مشاهده شده، کافی است آدرس جلوی URL را در قسمت address صفحه جستجوگر های خود بنویسید و دکمه enter را بفشارید.

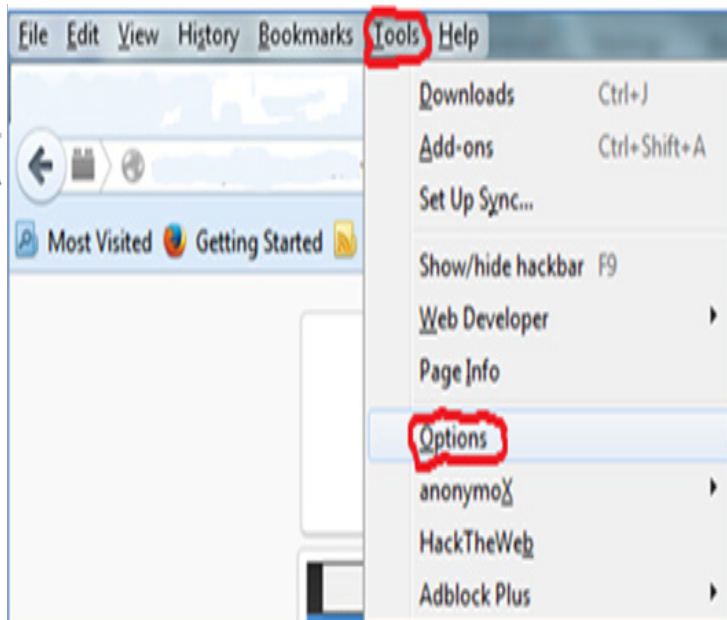
در این صورت عکس قابل مشاهده است. اما اگر قابل مشاهده نبود دیگر نمی شود کاری کرد؛ چون صد در صد لینک عکس دارای مشکل شده است.



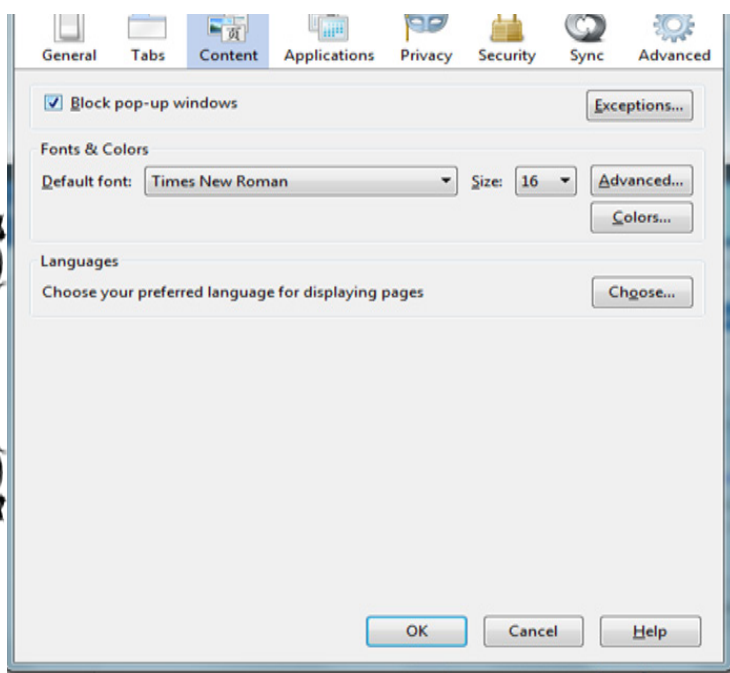
## ترفند سوم:

به سائیتی مراجعه می کنید، علاوه بر باز شدن سایت مورد نظر سایت تبلیغاتی متعددی باز می شود.

مرورگر فایرفاکس تا حدودی این مشکل را حل کرده است؛ به این صورت که با رفتن به نوار Tools و سپس رفتن به تب Option



سپس به نوار content می رویم و در آن جا گزینه block pop up را می زنیم.



اگر شما تصمیم داشته باشید که یک سند Word را برای فردی ایمیل کنید، شاید ترجیح بدهید که این کار را به صورت مستقیم و از داخل خود نرم افزار انجام دهید تا در وقتان صرفه جویی شود. در این ترفند نحوه انجام این کار را برای شما بازگویی کنیم.

بدین منظور: در نرم افزار Microsoft Word بر روی منوی File کلیک کنید و گزینه ی Options را انتخاب کنید. در پنل سمت چپ بر روی Customize Ribbon کلیک کنید.

در قسمت سمت راست از بین گزینه های موجود در زیرمجموعه ی Customize the Ribbon گزینه ی Mailing را انتخاب کنید و New Group را بزنید.

یک نام برای این گروه جدید انتخاب کنید؛ مانند Email.

از زیرمجموعه های Choose command from گزینه ی Email را انتخاب کرده و Add را بزنید و بر روی OK کلیک کنید.

اکنون وقتی که می خواهید یک سند Word را ایمیل کنید کافی است به سربرگ Mailing رفته و گزینه ی Email را انتخاب کنید. این سند به طور خودکار در نرم افزار Outlook ضمیمه می گردد و می توانید نسبت به ارسال آن اقدام نمایید.

## ترفند چهارم:

جلوگیری از باز شدن سایت ها به صورت خودکار گاهی برای شما اتفاق افتاده است که وقتی



ما در هر شماره از مجله سعی می کنیم سایت های مفیدی رو برای مخاطبان عزیز معرفی کنیم.  
و اما سایت این شماره :  
Prozhe.com



یکی از مشکلات مهم دانشجویان نبود سایت جامع و مرجع برای پیدا کردن اطلاعات مختلف راجع به موضوع مورد نظرشان است؛ بنابراین ما تصمیم گرفتیم با معرفی سایت پروژه این مشکل را تا حدودی حل کنیم.  
شما در این سایت می توانید مقالات مختلفی رو که در سراسر ایران ارائه می شود را مطالعه نمایید.

[www.prozhe.com](http://www.prozhe.com)



مهدی محمد پناه  
رشته ی کارشناسی علوم تربیتی





The way you teach The knowledge you share The care you take The love you shower

Makes you

The world's best teacher

!!Happy Teacher's Day



روش تدریستان زکات علمتان ، محبتتان ، عشق بی پایانتان ، باعث میشود شما بهترین معلم دنیا باشید. روزتان مبارک

### همه چیز درباره ( TOEFL ) Test Of English as a Foreign Language

تافل یک آزمون جامع زبان انگلیسی است که برای ورود به بیش از ۴۴۰۰ کالج و دانشگاه در ایالات متحده و کانادا، و دیگر بخشهای جهان، مورد نیاز می باشد. همچنین خارجیانی که دارای مشاغل حرفه ای می باشند، برای ادامه فعالیتهای حرفه ای شان در آمریکا و کانادا مرتباً به یک رتبه تافل نیاز دارند. نمره کسب شده در این آزمون جهت پذیرش در این دانشگاه ها به مدت دو سال دارای اعتبار می باشد.

تافل کتبی و کامپیوتری از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۸، آزمون تافل فقط به صورت کتبی برگزار می شد. در سال ۱۹۹۸ ETC که آزمون تافل را تهیه میکرد و Sylvan Learning Systems که برگزاری نسخه کامپیوتری تافل را بر عهده داشت، برای اولین بار این آزمون را به صورت کامپیوتری عرضه کردند.

آزمون کتبی تافل ( PBT ): تافل کتبی یک آزمون زمانبندی شده و شامل سه بخش اصلی شنیداری، ساختار و نگارش و درک مطلب میباشد.

بخش شنیداری: این بخش توانایی شما را در درک مکالمه های انگلیسی آمریکایی مورد سنجش قرار می دهد. و خود به سه قسمت تقسیم می شود. قسمت اول (Part A) شامل مکالمه های کوتاه می باشد. (Part B) مکالمه های گسترده تری بین دو یا چند نفر انجام می شود. (Part C) نیز دربرگیرنده نطق ها و سخنرانی هایی است که بیشتر حول و حوش موضوعات دانشگاهی و آکادمیک می باشد.

بخش ساختار و نگارش. این بخش دو دسته از سؤالات را در بر می گیرد و هر دو دسته برای سنجش توانایی شما در تشخیص گرامر و ساختار صحیح در یک متن طراحی شده است در دسته اول سؤالات مربوط به (ساختار یا Structure) میباشد. و دسته دوم سؤالات (نگارش یا Written Expression) را شامل میشود.

درک مطلب: در این بخش مهارت کافی در درک متون انگلیسی و نیز دایره لغات خوب بطور خاص مورد ارزیابی قرار می گیرند. این بخش از آزمون تافل معمولاً شامل پنج متن در زمینه های علمی و دانشگاهی می باشد و به دنبال هر متن ۱۰ پرسش مطرح می شود.

### آزمون کامپیوتری تافل ( CBT ):

این آزمون دارای همان بخش های اصلی آزمون کتبی است با این تفاوت که تعداد بیشتری سوال در هر بخش مورد پرسش قرار میگیرد و در قسمت شنیداری آن علاوه بر صدا تصویر آن هم به نمایش در می آید. همچنین در بخش نوشتاری میتوان انشاء را با قلم روی کاغذ نوشت یا اینکه مستقیماً آن را در کامپیوتر تایپ نمود.

صابر سوری  
رشته ی دبیری زبان انگلیسی



نام: علی ادیانی کبیر

نام پدر: صدقعلی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۷/۱۰

محل تولد: شهرستان رزن - بخش سردرود - روستای قایش

تحصیلات: دانشجو

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۹ - عملیات کربلای ۵

محل شهادت: شلمچه

### مختصری از زندگینامه شهید

شهید علی ادیانی کبیر در تاریخ دهم مهر ماه ۱۳۴۵ در خانواده ای متدین و مذهبی در روستای قایش از توابع بخش سردرود شهرستان رزن دیده به جهان گشود. ایشان تحصیلات ابتدایی خود را در همان روستا سپری کرد و دوره راهنمایی را در روستای سلطان آباد طی نمود. دوره دبیرستان را در شهر رزن و در مدرسه شهید موسوی به اتمام رسانید و بعد از اتمام تحصیلات متوسطه در آزمون تربیت معلم، رشته ی دینی و عربی مرکز تربیت معلم شهید مقصودی پذیرفته شد. این شهید عالی قدر که تمام وجودش خدایی شده بود، حضور در جبهه را برای خود بهترین فرصت جهت قرب الی الله یافت. او سه بار در جبهه های حق علیه باطل حضور پیدا کرد که بار اول سال ۱۳۶۴ در عملیات والفجر ۹ در منطقه ی غرب کشور و یک بار هم تابستان و پاییز سال ۱۳۶۵ در منطقه ی جنوب در خط دفاعی خرمشهر در جزیره مجنون مشغول خدمت شد و بار سوم نیز سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای پنج در منطقه شلمچه شرکت کرد.

شهید علی ادیانی به نماز اول وقت، نماز شب و دوری از غیبت تاکید بسیار داشتند. ایشان همواره شاکر نعمت های خداوند بودند و حتی مشکلات و سختی های زندگی را نیز نوعی از نعمت ها و الطاف خداوند می دانستند؛ آن گونه که از هر چه که ناامید می شدند، امیدشان به خداوند بیشتر می شد.

شهید علی ادیانی کبیر شهادت را بسیار دوست می داشت تا اینکه بالاخره در تاریخ ۲۹ دیماه ۶۵ به وصال مراد خویش رسید و در منطقه شلمچه به درجه رفیع شهادت نایل شد. بخشی از وصیت نامه شهید

به نام خدای بزرگ، به نام خدای توانا

اینک نیت نوشتن مطلبی را ندارم بلکه میخواهم در ددل کنم، تنها کاغذ و مرکب در دسترس می بینم و فکر می کنم چه خوب می نویسم! احساس می کنم در زندگی تنها و غریب مانده ام، دوستان می خندند؛ ولی من در گوشه ای به حال خود گریه می کنم. از هر چه ناامید می شوم، امید را فقط به خدا می بندم. اگر کسی به من محل نمی گذارد یا احیانا جواب سلام را نمی دهد به درگاه خدا روی می آورم، مثل اینکه طلبکارم.

با نیت استجاب دعاها و طول عمر امام و پیروزی رزمندگان اسلام و شفای مجروحین به امید آنکه تمام ریاها از بین برود و اعمال علی گونه بر تمام جهان مستولی شود.

سعید انصاری

رشته ی کارشناسی علوم تربیتی



# نظر سنجی

نظر شما درباره ی شماره ی یک "ف" چیست؟

گفت و گوی شماره ی بعد با چه کسی باشد؟

بهترین بخش "ف" کدام بخش بود؟

email : [Fe1393@chmail.ir](mailto:Fe1393@chmail.ir)